

وظائف ما در دوره پیش رو **مصوب کنگره ۲۵ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)** **کنگره فریدریش انگلس**

کنگره بیست و پنجم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در ادامه برنامه و مصوبات کنگره های پیشین در دوره سرنوشت ساز پیش رو، بر نکات زیر به طور ویژه تاکید می کند:

۱- خیزش مردمی بزرگ آبان ۹۸ در ادامه خیزش دی ماه سال ۹۶ و مرداد ۹۷ بحران عمومی سیاسی در کشور را وارد یک دوره موقعیت انقلابی ساخته است. مردم ایران دیگر حاضر نیستند مانند سابق به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تن بسپارند و رژیم حاکم نیز قادر نیست به شیوه سابق سکان اداره کشور را در دست داشته باشد. سرکوب خونین خیزش آبان که از نظر خشونت اعمال شده بی سابقه ترین سرکوب یک جنبش اعتراضی مسالمت آمیز در تمامی طول حاکمیت جمهوری اسلامی است هزاران شهید و زخمی و زندانی بر جای نهاد. اما علیرغم بربریت وصف ناپذیر سرکوب جمهوری اسلامی و علیرغم همه گیری کرونا که به علت سوءمدیریت رژیم اسلامی درده ماه گذشته به مثابه یک مصیبت فاجعه بار برسر مردم کشورمان فرود آمده است و علیرغم تحریم های کمرشکن آمریکا که فروپاشی اقتصادی اجتماعی نظام حاکم را تشدید کرده است، جنبش های مطالباتی همچنان در فرآیند رشد قرار داشته اند. جنبش های مطالباتی بخش های گوناگون کارگران و زحمتکشان کشور، جنبش اعتراضی زنان علیه تبعیض جنسیتی، جنبش های دانشجویان و دهقانان، اقلیت های ملی و مذهبی، جنبش های زیست محیطی، جنبش دادخواهی مادران و خانواده های شهدا، جنبش لغو مجازات ضدانسانی اعدام و آزادی زندانیان سیاسی، اعتراضات اهل قلم و هنرمندان علیه سانسور و سرکوب و تبعیض در فاصله یک سال پس از جنبش آبان حضور فعالی در صحنه پیکار با رژیم جمهوری اسلامی داشته اند. جنبش مطالباتی مزدحقوق بگیران در طول یک سال پس از خیزش آبان رشدی به اندازه چهار سال گذشته را تجربه کرده است. این جنبش، جنبش امید و ستون فقرات و سنگر اصلی پیکار برای دست یابی به آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم در ایران است. اوضاع سیاسی سرنوشت ساز کنونی فرصت بی همتائی است برای گسترش و تعمیق این جنبش. از همین رو ما تمرکز برای یاری رساندن به جنبش های مطالباتی و اعتراضی مردم ایران از طریق سازمان یابی مستقل و سراسری کارگران و زحمتکشان را، مهم ترین و سرنوشت سازترین مسأله دوره پیش رو و وظیفه حیاتی خود می دانیم.

۲- ایران از اولین کشورهایی بود که همه گیری کرونا در آن ابعاد توده ای پیدا کرد و صدها هزار نفر را مبتلاء و هزاران نفر را به کام مرگ فرستاد. تراژنامه جمهوری اسلامی هم درپیش گیری بموقع از طریق قرنطینه، هم شناسائی مبتلایان از طریق تست و رهگیری و بویژه مراقبت و معالجه پزشکی مبتلایان، فاجعه بار بوده است. با گذشت بیش از ده ماه از انتشار ویروس کرونا در کشور با وصف دستکاری های آماری که اکنون مسئولین نیز ناچارند به آن اعتراف کنند، قتلعام موج سوم کرونا رکوردهای قبلی را شکسته و آمار مبتلایان و جان باختگان در اوج خود قرار دارد. در حالی که رژیم جمهوری اسلامی دهها و صدها هزار میلیارد منابع مالی کشور را در قمار هسته ای، تبلیغات نهادهای مذهبی، فسادهای نجومی حکومتی و حمایت از مداخلات و جنگ های نیابتی برای دفاع از دیکتاتورها و جنبش های ارتجاعی منطقه به هدر داده است، صرفه جوئی و ریاضت اقتصادی را شامل آن بخش از خدمات عمومی کشور کرده است که تنگاتنگ ترین رابطه را با حق زیست و حیات مردم دارد. کاهش بودجه بهداشت و درمان، خصوصی سازی و کالائی کردن سلامت و درمان، دسترسی به خدمات بهداشت و درمان را به شدت طبقاتی کرده و صدمات غیرقابل جبرانی به ویژه به اکثریت عظیم مردم تحمیل و آن ها را در صف مقدم قربانیان همه گیری کرونا قرار داده است. اما سلامتی و بیماری نه امری فردی بلکه اساساً اجتماعی و وابسته به مناسبات اقتصادی اجتماعی حاکم

در یک جامعه است. بنابراین هم سلامتی شهروندان و هم تامین شرایط مداوای آن‌ها در بیماری یک وظیفه جمعی و اجتماعی و تامین آن نه به عهده فرد بیمار بلکه یکی از وظائف اساسی دولت است. فقدان بیمه بیکاری و عدم تضمین دسترسی به حداقل معیشت برای اکثریت قاطع مردم ایران به نوبه خود موجب شده است که سران جمهوری اسلامی قرنطینه را با تاخیر شروع کنند و قبل از موعد لازم پایان دهند و توده های کار و زحمت ناچار شوند برای تامین نان، جان خود را به تابوت مرگ کرونا بسپارند. پس ضربات مرگبار و ویرانگر بحران همه گیری کرونا به بخش مهمی از کارگران، مزد و حقوق بگیران، به حاشیه رانده شدگان، بی ثبات کاران، بیکاران، قربانیان آسیب های اجتماعی، زنان سرپرست خانواده، کودکان کار ... وارد می شود که با بیکاری های میلیونی و سقوط حداقل درآمد و عدم توانایی در تامین هزینه های سرسام آور پزشکی، دربرخ نان و جان به حال خود رها شده اند. چند سال است که درخواست کالا زدائی از بخش بهداشت و درمان و برقراری پوشش همگانی و کارآمد بیمه درمانی در بیانیه ها و پلتفرم های تشکل های بخش های مختلف طبقه کارگر، بازنشستگان و دانشجویان و فعالان سوسیالیست و چپ در ایران مطرح می شود. ما در کنگره ۲۱ (۱۳۹۵) با انتشار قطعنامه ای "ضرورت مبارزه برای تامین اجتماعی همگانی" را مطرح ساخته و در کنگره قبلی سازمان نیز با انتشار مجدد قطعنامه کنگره ۲۱، مجدداً بر ضرورت حیاتی تامین اجتماعی همگانی تاکید کردیم. دربستر بحران کرونا و فلاکت اقتصادی روبه گسترش کنونی لازم است که خواست بهداشت و درمان همگانی، رایگان، کارآمد و برابر نه فقط برای این بخش و یا آن بخش از طبقه کارگر بلکه برای همه شهروندان کشور همراه با بیمه بیکاری و تامین حداقل معیشت برای همه کسانی که در زیر خط فقر زندگی می کنند به پرچم یکی از مطالبات فوری و بیواسطه جنبش سوسیالیستی و کارگری مبدل شود.

۳- گسترش بحران اقتصادی و تحریم های فلج کننده و ضد انسانی دولت آمریکا، سونامی بیکاری و حاشیه نشینی بخش بزرگی از جمعیت کشور را به شکل جهش وار افزایش داده است. دو برابر شدن حاشیه نشینی در طول سه سال، افزایش تعداد آن‌ها به ۳۸ میلیون و یا ۴۵ درصد جمعیت شهری کشور، گسترش شتابان فلاکت و تلفات سنگین از کرونا زندگی این بخش مهم از جمعیت کشور و آینده فرزندان آن‌ها را تهدید می کند. از همان روزهای ورود کرونا و اجباری شدن آموزش از راه دور بیش از چهار میلیون هفتصد هزار دانش آموز که اساساً به این اقبال فرودست تعلق دارند به علت عدم دسترسی به اینترنت و تلفن هوشمند از اتصال به شبکه "شاد" و دسترسی به تحصیل محروم شده اند. سازمان یابی این بخش از محرومان و پیوند تشکل های آن‌ها در محلات حاشیه نشین با تشکل های سراسری کارگری نقش حیاتی در پیروزی پیکارهای طبقه کارگر و مردم ایران علیه جمهوری اسلامی برای آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم خواهد داشت. جناح بندی های اپوزیسیون بورژوازی به مدد شبکه های رسانه ای پربیننده تلاش می کنند از طریق شعارهای ناسیونالیستی توخالی و وعده های فریب کارانه، بر روی موج نارضایتی انفجارآمیز به حاشیه رانده شدگان سوار شده و آن‌ها را به سیاهی لشکر پیش برد سیاست های ارتجاعی شان مبدل کنند. این در حالی است که محرومیت توده های به حاشیه رانده شده شامل عرصه های اساسی زندگی نظیر تغذیه لازم برای سلامت انسان، مسکن مناسب، کار تضمین شده، دسترسی به بهداشت و درمان و آموزش کارآمد و با کیفیت می باشد. عرصه هایی که مولفه های مبارزه برای یک نظام تامین اجتماعی همه جانبه و فراگیر است که می تواند با پیش کشیدن یک خواست حیاتی مشترک، آنها را به هم سرنوشتی طبقاتی و منافع مشترک شان آگاه سازد و در سمت واحدی به حرکت درآورد. تردیدی نباید داشت که دست یابی به چنین حقی در رژیم جمهوری اسلامی از محالات است علیرغم آن که تامین اجتماعی همگانی به عنوان یک حق در اصل های ۲۹، ۳۰ و ۳۱ قانون اساسی خود رژیم به رسمیت شناخته شده است. اما در شرایط حاضر که همه گیری کرونا بر خورداری از پوشش بهداشت و درمان همگانی، رایگان و برابر و نیز بیمه بیکاری را به مسئله مرگ و زندگی بخش های مهمی از به حاشیه رانده شدگان مبدل کرده است، آگاهی گسترده زحمتکشان به حق تامین اجتماعی همگانی، خود می تواند نیروی طبقاتی بزرگی را به میدان بیاورد و

آنها را با افق های تاریخی گسترده تری آشنا سازد. بنابراین دفاع از ضرورت مبارزه پیگیر برای تأمین اجتماعی جامع(که در کنار بهداشت و درمان، بیمه بیکاری و تأمین حداقل معیشت، آموزش رایگان و با کیفیت در همه سطوح و مسکن اجتماعی نیز وجوه مهم دیگر مولفه های حیاتی تأمین اجتماعی را تشکیل می دهد) اهمیت هرچه بیشتری می یابد که بدون آن، سازمان یابی مظلوم ترین و محروم ترین بخش های کارگران و زحمتکشان و همراهی آنها با بخش های دیگر طبقه کارگر ناممکن خواهد بود.

۴- فشارهای حداکثری دولت ترامپ و تاثیرات فلج کننده اقتصادی-اجتماعی آن نقش مهمی در ویران سازی اقتصاد ایران و خشکاندن منابع درآمد دولت داشته است. خامنه ای رهبر رژیم با پیشه کردن سیاست عدم مذاکره و صبر و انتظار برای شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امسال، هزینه های عظیم و کمرشکن تحریم های ضد انسانی را در طول سالیان گذشته به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است. در شرایط همه گیری کرونا تحریم ها با ایجاد کمبود و نایابی دارو و سایر تجهیزات پزشکی و افزایش سرسام آور هزینه های درمان، قتلعام های نه فقط کرونا بلکه مرگ و میر ناشی از سایر بیماری ها را در میان کارگران و زحمتکشان به سطح حداکثری آن رسانده است. با انتخاب بایدن به ریاست جمهوری که قبلاً اعلام کرده است در صورت اجرای تعهدات برجام توسط رژیم جمهوری اسلامی آمریکا نیز به برجام باز خواهد گشت دریچه تازه ای برای رفع تحریم های ضد مردمی آمریکا گشوده شده است. اگر چه رفع تحریم های ایران هنوز در اولویت اول دولت آینده بایدن نیست و علاوه بر آن احتمال وارد شدن شروط دیگر نظیر سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه، برنامه موشکی و... به عنوان شروط لغو تحریم ها و بازگشت دولت آمریکا به برجام نیز دوران انتظار نیست اما به خاطر فشار عظیمی که از تحریم های کمرشکن دولت آمریکا به اکثریت مردم ایران وارد می سازد رهبر جمهوری اسلامی برای لغو تحریم ها ناچار است و باید جام زهر را دوباره سربکشد. ممکن است گفته شود که این کار به معنای تن دادن ایران به فشارهای لابی اسرائیل و عربستان و نئوکان ها و شکست سیاسی برای سران رژیم جمهوری خواهد بود. اما واقعیت غیرقابل تردید آن است که دو ایران وجود دارد: ایران سران جمهوری اسلامی و "ایران مردم". برای "ایران مردم" دشمن اصلی و چهل ساله، این جا، در حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارد و نوشیدن جام زهر رهبر و سران رژیم، بویژه در شرایط طاقت فرسای کنونی برای مردم، هرچند زهرآگین باشد، مهم نیست. سازمان ما همواره مبارزه برای برچیده شدن تحریم ها را یکی از وظائف خود دانسته است. زیرا تحریم ها تنها تنبیه دسته جمعی مردم می باشند و نه فقط تاثیری بر امنیت و تسلط حاکمان نمی گذارند، بلکه بهترین بهانه برای سرکوب مخالفان به عنوان "عوامل بیگانگان" توسط دستگاه های سرکوب را فراهم می سازند. از جمله تاثیرات مخرب دیگر تحریم ها که ناشی از فروپاشی اقتصادی و گسترش فقر، فلاکت و گرسنگی است، تضعیف تشکل های کارگری، توده ای و مدنی و در نتیجه تضعیف قدرت سازمان یابی و پیکار از پائین در برابر حاکمان مستبد و بهره کشان است

۵ - تهاجم گسترده جمهوری اسلامی علیه زنان ایران در عرصه های گوناگون مانند تحمیل حجاب اجباری، مقابله با سست شدن حجاب در فضاهای عمومی، منع ورود زنان به ورزشگاهها، ممنوعیت صدای زنان در موسیقی، حفظ ممنوعیت های اعمال شده در ورزش زنان... با مقاومت و نافرمانی مدنی گسترده زنان مواجه شده است. جنبش کارگری و (به طریق اولی) جنبش سوسیالیستی کشور ما و از جمله سازمان ما باید در مقابله با این تهاجم جهانی گسترده علیه موقعیت زنان پیشقدم باشند و اکنون که مبارزه با حجاب اجباری به یکی از نقاط کانونی و پرچم جنبش عمومی زنان مبدل شده است ما وظیفه خود می دانیم که از این پیکار عمومی زنان علیه آپارتاید جنسیتی حاکم و برای برابر حقوقی کامل و واقعی زنان و مردان، با همه قوا دفاع کنیم. تردیدی نیست که مبارزه علیه تبعیض های جنسیتی، برای برابر حقوقی زنان با مردان و مشارکت در همه مبارزات زنان برای رهایی از قید و بندهای مردسالاری و محدودیت های اسارت بار تحمیل شده از طرف رژیم حاکم و همچنین تلاش پیگیر برای

پیوند جنبش‌های زنان با مبارزات روزمره زنان کارگر و زحمتکش و حمایت از تشکل‌های مستقل زنان جزئی از وظایف حیاتی و تعطیل‌ناپذیر ما و همه هواداران سوسیالیسم است. جنبش سوسیالیستی همواره در صف مقدم پیکار برای رهایی زنان قرار داشته زیرا به قول مارکس "درجه رهایی زنان سنجه طبیعی رهایی همگانی است".

۶ - مبارزه پیگیر علیه هر نوع تبعیض ملی دفاع قاطع از برابر حقوقی و حق تعیین سرنوشت ملیت‌های ایران و تلاش برای شناساندن راه حل فدرالیسم دمکراتیک سرزمینی، در جهت دست‌یابی به اتحاد داوطلبانه همه ملیت‌های ایران، یکی از وظایف حیاتی هواداران سوسیالیسم و دموکراسی است. در ایران این تنها نیروهای چپ و سوسیالیست هستند که به شکل قاطع و روشن از اصول اساسی حل مسئله ملی یا حق تعیین سرنوشت ملیت‌های ایران و اتحاد داوطلبانه آن‌ها دفاع می‌کنند. به نظر ما، تأکید بر این وظایف در این شرایط سرنوشت‌ساز برای کشور، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در همانحال مبارزه فکری با گرایش‌های رهبران بخشی از احزاب ناسیونالیست مناطق ملی، که به طرح‌های دولت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن امید بسته‌اند و بخشی از آن‌ها که از موضع ناسیونالیستی به نفرت ملی میان ملیت‌های تحت ستم ایران دامن می‌زنند را، وظیفه خود می‌دانیم.

۷ - بحران زیست‌محیطی ایران چنان ابعاد ویرانگر و بی‌سابقه‌ای پیدا کرده که اکنون آثار آن را تقریباً همه مردم ایران در زندگی روزمره‌شان لمس می‌کنند. بحرانی که بیش از آن‌که ناشی از قهر طبیعت باشد، محصول نظام سرمایه‌داری و سازوکار بهره‌کشی بی‌مهاری آن است و در ایران مخصوصاً جمهوری اسلامی در دامن زدن به آن سهم تعیین‌کننده‌ای داشته و دارد. مقابله با این بحران بدون مقابله با استفاده غیرمسئولانه و تبه‌کارانه از منابع آب در کشور و بدون تجدید سازماندهی سراسری کشاورزی، راه به جایی نخواهد برد. اما این کار مهم‌تر و حیاتی‌تر از آن است که به رژیم فاسد و تبه‌کاری مانند جمهوری اسلامی سپرده شود. در این میان زندگی و سرنوشت توده‌های وسیع کشاورزان و زحمتکشان روستاها در میان است، همچنین سرنوشت کشاورزی با سرنوشت کالاهای دستمزدی، که در سطح زندگی طبقه کارگر نقش حیاتی دارد، و بنابراین از اهمیت طبقاتی ویژه‌ای برخوردار است. همه این ملاحظات ایجاب می‌کنند که جنبش کارگری و چپ ایران با پی‌گیری هر چه بیشتری در مبارزات زیست‌محیطی مردم ایران و حمایت از تشکل‌های مستقل زیست‌محیطی که در نقاط مختلف کشور برای دفاع از زیست‌بوم کشور به صحنه آمده‌اند، نقش کلیدی و پیشگام ایفاء کنند.

۸ - سرکوب اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی جزئی جدائی‌ناپذیر از سرکوب ایدئولوژیک رژیم جمهوری اسلامی است که با سیاست یک‌دست‌سازی مذهبی هیچ‌نوع‌دگراندیشی دینی و غیردینی را تحمل نمی‌کنند. شیعیان خارج از حکومت یا منتقد نیز تحمل نمی‌شوند چه رسد به پیروان اهل سنت و دیگر مسلمانان نظیر در اویش. در ایران اسلامی بهائیان و یهودیان نه تنها از حق شهروندی محروم هستند بلکه همواره با انگ جاسوس اسرائیل در خطر زندان و شکنجه و محرومیت‌های اجتماعی ضد انسانی مواجه هستند. جدائی کامل مذهب از دولت، از جمله از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش، ممنوعیت هر گونه کمک دولتی به موسسات مذهبی و فعالیت‌های آن‌ها، الغاء مذهب رسمی، آزادی مذهب و آزادی همه افراد در داشتن و نداشتن مذهب، آزادی کامل تبلیغات مذهبی و غیرمذهبی، از جمله یکی از ملزومات اجتناب‌ناپذیر پایان دادن به تبعیض‌های مذهبی و برقراری حقوق برابر برای همه شهروندان، صرف‌نظر از تعلقات ملی، مذهبی، جنسیتی، فرهنگی و اعتقادات سیاسی آن‌ها می‌باشد. بنابراین ما وظیفه خود می‌دانیم که با علیه هر نوع سرکوب و تبعیض اقلیت‌های مذهبی به طور پیگیر مبارزه کنیم.

۹ - اخیراً طرحی تحت عنوان «ساماندهی اتباع خارجی غیر مجاز» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس ارائه شده است. براساس این طرح برای تردد غیرقانونی یا اقامت غیرقانونی بدون اوراق رسمی خارجی، مجازات هائی تا ۲۵ سال زندان، صد میلیون تومان جریمه نقدی و ضبط کلیه اموال و دارائی ها متهم در نظر گرفته شده است. شهروندان افغان مقیم ایران با جمعیتی بیش از دومیون نفر بخش اصلی مهاجران مقیم ایران را تشکیل داده و صدها هزار نفر از آن ها به خاطر سخت گیری های تبعیض آمیز دولت جمهوری اسلامی و فقدان اسناد مهاجرت به شکل غیرقانونی کار و زندگی می کنند که طرح ارائه شده تهاجمی ضدانسانی به وضعیت اقامت، زندگی و معیشت آن ها می باشد. همبستگی بین المللی میان کارگران ایجاب می کند که جنبش کارگری ایران خواهان الغاء کامل و همه جانبه تمامی تبعیض های اعمال شده به مهاجران مقیم ایران و برابر حقوقی کامل آن ها با شهروندان ایرانی در همه عرصه ها از جمله تحصیل کودکان، دسترسی به تسهیلات بهداشتی و درمان و... باشد. دفاع از برابر حقوقی میان مهاجران و شهروندان ایرانی، دفاع از سطح زندگی عمومی کارگران ایرانی می باشد زیرا تنها از این طریق است که راه سوء استفاده سرمایه داران و دولت حامی آن ها از محرومیت و نیروی کار ارزان مهاجران، برای دامن زدن به رقابت میان کارگران و در هم شکستن سطح عمومی دستمزدها و مزایای همه کارگران، بسته می شود.

۱۰ - شرایط سیاسی سرنوشت سازی که در آن بسر می بریم می تواند به طور بالقوه فرصت ها وافق های امیدبخشی برای بازخیزی چپ سازمان یافته بیافریند. برای جامه عمل پوشاندن به بازسازی موثر نیروهای هوادار آلترناتیو سوسیالیستی به عنوان جایگزین نظام حاکم، گسست از الگوهای سوسیالیسم غیردموکراتیک حزب - دولت ها بیش از هر زمان دیگری ضرورت خود را نشان می دهد. چنین گسستی بدون تجدید آرایش برای سوسیالیسم دموکراتیک امکان ناپذیر است. سوسیالیسم دموکراتیک، یعنی سوسیالیسم برخاسته از پائین، متکی به پائین و پاسخگو به پائین. چنین نظامی فقط با مرجعیت مردم (و مطلقاً همه مردم) می تواند پا بگیرد و پایدار بماند و تحول و تکامل یابد، نه با خواست یک اقلیت ممتاز. در مخالفت با حق وتوی این نوع اقلیت های ممتاز بود که مارکس "دموکراسی" را "دموس" (= مردم) در قدرت می نامید و می گفت در دموکراسی وجود انسان به خاطر قانون نیست، وجود قانون به خاطر انسان است. تردیدی نیست که همانند الگوی حزب-دولت ها، الگوی سوسیال دموکراسی یا توهم بنای سوسیالیسم با اطراق در سرمایه داری (چه دوره اولیه یا بنای سوسیالیسم از طریق پارلماناریسم بورژوائی، دوره دوم یا "دولت رفاه" پس از جنگ جهانی دوم و بالاخره سوسیال دموکراسی متاخر در چرخه نئولیبرالی) نیز با شکست تاریخی- جهانی مواجه شده و اصول فکری و ترازنامه تجربی آن نقض اصول حیاتی و اساسی سوسیالیسم انقلابی مارکس و انگلس بوده است. به نظر ما، تجدید آرایش برای سوسیالیسم دموکراتیک، مسلماً به همکاری سیاسی، مراودات منظم فکری و نظری و اتحاد هرچه وسیع تر مدافعان سوسیالیسم انقلابی مبتنی بر دموکراسی فعال و مشارکتی و آزادی های بی قید و شرط سیاسی همه مردم، نیاز دارد. برای چنین همکاری ها و همراهی هایی، کسی به کسی نمی پیوندد، بلکه همه دست شان را به سوی هم دراز می کنند و همه به هم می پیوندند. سازمان ما وظیفه خود می داند که مراودات، همگرایی و همکاری های خود را با همه هواداران سوسیالیسم دموکراتیک در سطوح و اشکال گوناگون گسترش دهد.

کنگره بیست و پنجم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹ برابر با ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰